

Research Paper



Analysis of the Function of Cultural Diplomacy in Enhancing Iran's Position among Public Opinion in the Persian Gulf region; Opportunities and Challenges *



10.22034/CDRJ.2025.489914.1026

Masoud Nikravesh

PhD student in Culture and Communication, Baqirul Uloom University, Qom, Iran (Corresponding author)
NikraveshMasoud5@gmail.com



0000-0009-2793-8588

Mohammad Ali Ghamami

Assistant Professor, Department of Cultural Studies and Communication, Baqirul Uloom University, Qom, Iran
s.ghamami@gmail.com



0000-0009-6538-9174

ABSTRACT

The Persian Gulf region holds strategic significance for Iran due to its geopolitical importance and strategic position. However, hostile media outlets have created serious challenges for the country in the international arena by presenting a negative image of Iran. This research aims to examine the role of cultural diplomacy in enhancing Iran's standing in the Persian Gulf region's public opinion. The theoretical framework is based on constructivism theory, focusing on soft power concepts and the role of identity and culture in international relations. This study employs a qualitative methodology with an analytical-descriptive approach. Data has been collected through documentary research and examination of credible academic sources, analyzed using content analysis and comparative analysis methods. The research findings indicate that recent regional developments, particularly the Iran-Saudi Arabia agreement in 2023, have created new opportunities for Iran's cultural diplomacy. Moreover, the results suggest that the expansion of cyberspace and changing patterns of cultural consumption in the region necessitate a redefinition of traditional cultural diplomacy approaches. This research demonstrates that the success of Iran's cultural diplomacy in the Persian Gulf region requires a deep understanding of new regional developments, attention to the role of cyberspace, and focus on the cultural needs of the younger generation.



CC BY NC SA

Received: 20/11/2024
Accepted: 02/06/2025

Keywords:

Cultural Diplomacy,
Iran, Persian Gulf
States, Public
Opinion,
International
Relations, Foreign
Policy.

*. The contents of the Journal reflect the thoughts and views of the authors, and the Journal is not responsible for this.

تحلیل کارکرد دیپلماسی فرهنگی در ارتقای جایگاه ایران نزد افکار عمومی منطقه خلیج فارس؛ فرصت‌ها و چالش‌ها*



10.22034/CDRJ.2025.489914.1026

مسعود نیک‌روش

دانشجوی دکتری رشته فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران (نویسنده مسئول)

NikraveshMasoud5@gmail.com

id 0000-0009-2793-8588

محمدعلی غمامی

استادیار گروه مطالعات فرهنگی و ارتباطات دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران

s.ghamami@gmail.com

id 0000-0009-6538-9174

چکیده

منطقه خلیج فارس، به دلیل جایگاه راهبردی و اهمیت ژئوپلیتیک آن، برای ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این در حالی است که رسانه‌های معاند با ارائه تصویری منفی از ایران، چالش‌های جدی را برای کشور در بعد خارجی ایجاد کرده‌اند. این پژوهش با هدف بررسی نقش دیپلماسی فرهنگی در ارتقای جایگاه ایران نزد افکار عمومی منطقه خلیج فارس انجام شده است. چهارچوب نظری پژوهش بر مبنای نظریه سازه‌نگاری و با تمرکز بر مفهوم قدرت نرم و نقش هویت و فرهنگ در روابط بین‌الملل تدوین شده است. این مطالعه با استفاده از روش کیفی و رویکرد تحلیلی - توصیفی صورت گرفته و داده‌ها از طریق مطالعه اسنادی و بررسی منابع معتبر علمی، گردآوری شده‌اند و با استفاده از روش تحلیل محتوا و تحلیل تطبیقی، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تحولات اخیر منطقه‌ای به‌ویژه توافق ایران و عربستان در سال ۲۰۲۳، فضای جدیدی را برای دیپلماسی فرهنگی ایران فراهم کرده است. همچنین نتایج حاکی از آن است که گسترش فضای مجازی و تغییر الگوهای مصرف فرهنگی در منطقه، نیازمند بازتعریف رویکردهای سنتی دیپلماسی فرهنگی است. این پژوهش نشان می‌دهد موفقیت دیپلماسی فرهنگی ایران در منطقه خلیج فارس مستلزم درک عمیق از تحولات نوین منطقه‌ای، توجه به نقش فضای مجازی و تمرکز بر نیازهای فرهنگی نسل جوان است.



تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۴



واژگان کلیدی:

دیپلماسی فرهنگی، ایران، کشورهای حاشیه خلیج فارس، افکار عمومی، روابط بین‌الملل، سیاست خارجی.

* مطالب مندرج در فصلنامه مبین اندیشه‌ها و دیدگاه‌های نویسندگان است و از این بابت مسئولیتی متوجه فصلنامه نیست.

مقدمه

در عصر ارتباطات و دیپلماسی عمومی، تصویر کشورها در افکار عمومی بین‌المللی نقشی حیاتی در پیشبرد منافع ملی آنها ایفا می‌کند. این موضوع برای جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان یکی از بازیگران کلیدی منطقه غرب آسیا و خلیج فارس، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نای (۲۰۰۴: ۲۵) معتقد است در دنیای امروز، قدرت نرم و توانایی تأثیرگذاری بر افکار عمومی، گاه از قدرت سخت نظامی و اقتصادی مؤثرتر عمل می‌کند. این در حالی است که پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، ایران با چالش‌های جدی در زمینه تصویرسازی و ارتباط با افکار عمومی کشورهای منطقه مواجه شده است.

اهمیت این موضوع با توجه به آمار و ارقام موجود آشکارتر می‌شود. نظرسنجی مؤسسه گالوپ در سال ۲۰۲۲ نشان می‌دهد میانگین نگرش مثبت به ایران در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس ۱۴ درصد بوده است که نسبت به آمار ۱۲ درصدی سال ۲۰۱۹ تنها اندکی بهبود یافته است (Gallup, 2023). این آمار نشان‌دهنده شکاف عمیق بین واقعیت ایران و تصویر آن در افکار عمومی منطقه است.

در این میان، دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای قدرت نرم می‌تواند نقش مهمی در پر کردن این شکاف ایفا کند. دهسیری (۱۳۸۸: ۳۵) دیپلماسی فرهنگی را مؤثرترین ابزار برای بهبود تصویر کشور در افکار عمومی بین‌المللی می‌داند؛ باین‌حال، تحولات اخیر منطقه‌ای مانند توافق ایران و عربستان در سال ۲۰۲۳ و گسترش نقش شبکه‌های اجتماعی در شکل‌دهی به افکار عمومی، ضرورت بازنگری در رویکردهای سنتی دیپلماسی فرهنگی را دوچندان کرده است.

مطالعات پیشین در زمینه دیپلماسی فرهنگی ایران در منطقه خلیج فارس، عمدتاً بر جنبه‌های نهادی و ساختاری متمرکز بوده‌اند. آشنا و جعفری هفت‌خوانی (۱۳۸۶: ۱۸۰) به انزوای رسانه‌های ایران در منطقه خلیج فارس به‌عنوان یکی از چالش‌های اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرده‌اند. شریعتی‌نیا (۱۳۸۹: ۱۹۳) نیز بر نقش رسانه‌های

معاند در شکل‌گیری تصویر نامطلوب از ایران تأکید کرده است؛ با این حال، کمتر پژوهشی به‌طور خاص به بررسی نقش دیپلماسی فرهنگی در ارتقای جایگاه ایران نزد افکار عمومی منطقه پرداخته است.

تحولات اخیر در فضای رسانه‌ای و ارتباطی منطقه اهمیت این موضوع را دوچندان کرده است. رحمانی (۱۳۹۴: ۶۶) معتقد است در عصر شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های نوین، افکار عمومی نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به سیاست‌های داخلی و خارجی کشورها دارد. برخی آمارها نشان می‌دهد ضریب نفوذ شبکه‌های اجتماعی در کشورهای حاشیه خلیج فارس به بیش از ۹۰ درصد رسیده است (Statista, 2025). این موضوع، فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی را پیش روی دیپلماسی فرهنگی ایران قرار داده است.

جایگاه راهبردی خلیج فارس به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مناطق ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک جهان، ضرورت توجه ویژه به افکار عمومی کشورهای منطقه را دوچندان می‌کند. خسروی و جباری ثانی (۱۳۹۰: ۸۵) بر اهمیت این منطقه به دلیل ذخایر عظیم انرژی، موقعیت استراتژیک و نقش کلیدی آن در تأمین امنیت انرژی جهانی تأکید کرده‌اند. به‌علاوه، توافق اخیر ایران و عربستان در سال ۲۰۲۳، فرصت‌های جدیدی را برای تعامل فرهنگی و ارتباط با افکار عمومی منطقه فراهم کرده است.

این پژوهش با معرفی دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان راهبردی برای مقابله با انزوای رسانه‌ای و اصلاح تصویر ایران، سه نوآوری اساسی نسبت به مطالعات پیشین دارد. نخست، برخلاف پژوهش‌های قبلی که عمدتاً بر ساختارها و نهادهای دیپلماسی فرهنگی متمرکز بوده‌اند، این مطالعه به‌طور خاص بر نقش دیپلماسی فرهنگی در شکل‌دهی به افکار عمومی منطقه تمرکز می‌کند. دوم، با استفاده از نظریه سازه‌نگاری و تأکید بر نقش هویت و فرهنگ در شکل‌گیری افکار عمومی، چهارچوب نظری جدیدی برای فهم موضوع ارائه می‌دهد. سوم، با بهره‌گیری از مصاحبه‌های عمیق با نخبگان و تحلیل مضمون، روش‌شناسی متمایزی را برای بررسی موضوع به کار می‌گیرد.

روند تاریخی نشان می‌دهد پس از انقلاب اسلامی، روابط ایران با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس دچار تنش‌های جدی شده است. صالحی امیری و محمدی (۱۳۸۹: ۱۲۶) معتقدند عواملی چون جنگ ایران و عراق، اختلافات ژئوپلیتیک و رقابت‌های منطقه‌ای به تشدید این تنش‌ها کمک کرده است؛ با این حال، در سال‌های اخیر، تحولاتی مانند توافق تهران - ریاض و گسترش ارتباطات مجازی، فرصت‌های جدیدی برای تعامل فرهنگی ایجاد کرده است.

این پژوهش با هدف اصلی بررسی نقش دیپلماسی فرهنگی در ارتقای جایگاه ایران نزد افکار عمومی منطقه خلیج فارس انجام می‌شود. در راستای دستیابی به این هدف اصلی، اهداف فرعی زیر دنبال می‌شود:

۱. شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر شکل‌گیری تصویر ایران در افکار عمومی کشورهای منطقه خلیج فارس؛

۲. بررسی نقش رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی در شکل‌دهی به افکار عمومی منطقه؛

۳. تبیین نقش افکار عمومی در پیشبرد اهداف جمهوری اسلامی در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی؛

۴. ارائه راهکارهای عملی برای بهره‌گیری مؤثر از دیپلماسی فرهنگی در جهت بهبود تصویر ایران در منطقه.

این پژوهش با ارائه رویکردی جامع و کاربردی به موضوع دیپلماسی فرهنگی، سهم مهمی در ادبیات موجود خواهد داشت. برای دستیابی به اهداف پژوهش، از روش کیفی با رویکرد تحلیلی - توصیفی استفاده شده است. داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه‌های عمیق با ده نفر از نخبگان علمی و عملیاتی حوزه دیپلماسی فرهنگی در منطقه خلیج فارس گردآوری شده است. این افراد شامل اساتید دانشگاه، پژوهشگران، و رایزنان فرهنگی سابق و کنونی ایران در کشورهای منطقه هستند. داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها نیز با استفاده از روش تحلیل مضمون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

نوآوری اصلی این تحقیق در تلفیق مباحث نظری دیپلماسی فرهنگی با واقعیت‌های ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس و تمرکز ویژه بر نقش افکار عمومی است. دهقانی فیروزآبادی (۱۳۹۱: ۷۵) معتقد است برای موفقیت دیپلماسی فرهنگی، درک دقیق مختصات فرهنگی و اجتماعی مخاطبان ضروری است؛ از این رو، این مطالعه با ارائه داده‌های تجربی جدید در مورد نگرش افکار عمومی کشورهای منطقه نسبت به ایران و تحلیل عمیق ظرفیت‌های دیپلماسی فرهنگی کشور می‌تواند به پر کردن شکاف موجود در ادبیات تحقیق کمک کند.

ساختار این مقاله به این صورت است که پس از مقدمه، در بخش دوم به مرور ادبیات و پیشینه پژوهش پرداخته می‌شود. بخش سوم به چهارچوب مفهومی و نظری اختصاص دارد که در آن نظریه سازه‌انگاری با تمرکز بر نقش هویت و فرهنگ در شکل‌گیری افکار عمومی تشریح می‌شود. در بخش چهارم، روش‌شناسی پژوهش به تفصیل توضیح داده می‌شود. بخش پنجم به ارائه یافته‌های پژوهش و تحلیل آن‌ها می‌پردازد. در نهایت، در بخش ششم جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ارائه می‌شود و راهکارهای عملی برای ارتقای اثربخشی دیپلماسی فرهنگی ایران در منطقه خلیج فارس پیشنهاد می‌شود.

۱. پیشینه پژوهش

دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان یکی از ابعاد مهم دیپلماسی عمومی، در دهه‌های اخیر توجه فزاینده‌ای را به خود جلب کرده است. این مفهوم به تلاش‌های هدفمند یک کشور برای ترویج فرهنگ، ارزش‌ها و ایده‌های خود در میان مردم سایر کشورها اشاره دارد. در زمینه دیپلماسی فرهنگی ایران در منطقه خلیج فارس، مطالعات متعددی صورت گرفته است که می‌توان آن‌ها را در چند محور اصلی دسته‌بندی کرد.

۱-۱. مطالعات مرتبط با ظرفیت‌های دیپلماسی فرهنگی

خسروی و جباری ثانی در پژوهش خود به بررسی ظرفیت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی عمومی پرداخته‌اند. آن‌ها معتقدند عواملی چون تمدن کهن ایرانی، فرهنگ

غنی اسلامی و موقعیت ژئوپلیتیک ایران می‌تواند به‌عنوان منابع قدرت نرم در دیپلماسی فرهنگی مورد استفاده قرار گیرد (خسروی و جباری ثانی، ۱۳۹۰).

دهقانی فیروزآبادی در مقاله «دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی در منطقه خلیج فارس» به بررسی تأثیر تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی منطقه بر دیپلماسی فرهنگی ایران پرداخته و بر ناکارآمدی دیپلماسی فرهنگی سنتی و ضرورت بازنگری در آن تأکید می‌کند (دهقانی فیروزآبادی و دیگران، ۱۳۹۴).

بشیر و میرفخرایی در پژوهشی جامع به شناسایی و دسته‌بندی فرصت‌های بالقوه و بالفعل و نیز چالش‌های بینشی، گرایشی و کنشی دیپلماسی فرهنگی ایران در پنج کشور عربی خلیج فارس پرداخته‌اند (بشیر و میرفخرایی، ۱۳۹۶).

۲-۱. مطالعات مرتبط با افکار عمومی و رسانه

در زمینه نقش رسانه‌ها در شکل‌گیری افکار عمومی نسبت به ایران در منطقه خلیج فارس، نیکروش و پویا در مطالعه‌ای به بررسی ظرفیت‌های برون‌مرزی رسانه ملی در ارتقای دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند. آن‌ها معتقدند رسانه‌های برون‌مرزی ایران می‌توانند نقش مهمی در خنثی‌سازی تبلیغات منفی علیه ایران و ارائه تصویری واقعی از کشور ایفا کنند (نیکروش و پویا، ۱۳۹۹).

شریعتی‌نیا در تحلیل ریشه‌های شکل‌گیری ایران‌هراسی در منطقه، این پدیده را محصول دو دسته عوامل ساختاری (مانند قدرت و موقعیت ژئوپلیتیک ایران) و غیرساختاری (مانند تبلیغات منفی و سوءتفاهم‌های سیاسی) می‌داند (شریعتی‌نیا، ۱۳۸۹).

نجفی فیروزجایی معتقد است مهم‌ترین هدف ایران در مواجهه با افکار عمومی کشورهای منطقه خلیج فارس، خنثی‌سازی پروژه ایران‌هراسی و ارائه تصویری واقع‌بینانه از سیاست‌های ایران است. وی تأکید می‌کند ایران باید از ظرفیت‌های فرهنگی و تمدنی خود برای نزدیکی به ملت‌های منطقه استفاده کند (نجفی فیروزجایی، ۱۳۸۸).

۳-۱. مطالعات مرتبط با راهکارها و راهبردها

صالحی امیری و محمدی در کتاب «دیپلماسی فرهنگی» به بررسی جامع مفهوم دیپلماسی فرهنگی و کاربرد آن در سیاست خارجی کشورها پرداخته‌اند. آن‌ها معتقدند ایران با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی خود می‌تواند نقش مؤثری در گفت‌وگوی تمدن‌ها و نزدیکی فرهنگ‌ها ایفا کند (صالحی امیری و محمدی، ۱۳۸۹).

قنبرلو در پژوهشی به بررسی رابطه میان دیپلماسی فرهنگی و جایگاه بین‌المللی ایران پرداخته و تأکید می‌کند ایران برای ارتقای جایگاه خود در افکار عمومی جهانی، نیازمند بازنگری در سیاست‌های فرهنگی خود و استفاده مؤثرتر از ابزارهای دیپلماسی عمومی است (قنبرلو، ۱۴۰۰).

۴-۱. مطالعات تطبیقی

عباسی و قنبری سلحشور به مقایسه دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم امریکا و ایران در عصر جدید پرداخته‌اند. آن‌ها معتقدند ایران برای مقابله با قدرت نرم فرهنگی امریکا، نیازمند اتخاذ راهبردهایی چون افزایش سطح خودباوری ملی، استفاده از نگاه علمی برای بازسازی دیپلماسی فرهنگی کشور و بهره‌گیری از هویت اسلامی است (عباسی و قنبری سلحشور، ۱۳۹۷).

۵-۱. تمایز پژوهش حاضر با مطالعات پیشین

در میان مطالعات انجام‌شده، دو پژوهش دهقانی فیروزآبادی (۱۳۹۴) و بشیر و میرفخرایی (۱۳۹۶) به‌طور خاص به موضوع دیپلماسی فرهنگی ایران در منطقه خلیج فارس پرداخته‌اند. پژوهش حاضر در پنج محور اساسی با این مطالعات متمایز است:

۱. **تمرکز بر افکار عمومی:** برخلاف پژوهش دهقانی فیروزآبادی که بر تحولات منطقه‌ای متمرکز است و مطالعه بشیر و میرفخرایی که به دسته‌بندی فرصت‌ها و چالش‌ها می‌پردازد، این پژوهش به‌طور خاص بر نقش دیپلماسی فرهنگی در ارتقای جایگاه ایران نزد افکار عمومی منطقه تمرکز دارد.

۲. **روش‌شناسی متمایز:** استفاده از مصاحبه‌های عمیق با نخبگان و تحلیل مضمون،

رویکردی است که در مطالعات پیشین مورد استفاده قرار نگرفته است.

۳. داده‌های به‌روز: این مطالعه تحولات اخیر منطقه مانند توافق ایران و عربستان در سال

۲۰۲۳ و تأثیر فزاینده شبکه‌های اجتماعی بر افکار عمومی را در تحلیل خود لحاظ می‌کند.

۴. راهکارهای عملی: برخلاف مطالعات پیشین که عمدتاً توصیفی - تحلیلی بوده‌اند، این

پژوهش بر ارائه راهکارهای عملی و اجرایی برای بهبود تصویر ایران تمرکز دارد.

۵. چهارچوب نظری نوین: استفاده از نظریه سازه‌انگاری با تمرکز خاص بر نقش هویت و

فرهنگ در شکل‌گیری افکار عمومی، رویکرد نظری جدیدی ارائه می‌دهد.

مرور پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد اگرچه مطالعات متعددی در زمینه دیپلماسی

فرهنگی ایران صورت گرفته، اما اکثر این مطالعات یا به‌صورت کلی به موضوع پرداخته‌اند یا

بر جنبه‌های خاصی همچون چالش‌ها و موانع تمرکز داشته‌اند. خلأ اصلی در ادبیات موجود،

فقدان پژوهش جامعی است که به‌طور خاص، نقش دیپلماسی فرهنگی در ارتقای جایگاه ایران

نزد افکار عمومی منطقه خلیج فارس را با توجه به تحولات اخیر منطقه‌ای بررسی کند.

با توجه به مطالعات صورت‌گرفته می‌توان گفت دیپلماسی فرهنگی ایران در منطقه خلیج

فارس با چالش‌ها و فرصت‌های متعددی روبه‌رو است. از یک سو، وجود اشتراک‌های فرهنگی

و تاریخی می‌تواند زمینه‌ساز نزدیکی بیشتر باشد و از سوی دیگر، سوءتفاهم‌های سیاسی و

تبلیغات منفی، مانعی بر سر راه ارتباط مؤثر فرهنگی است. در این میان، تحولات اخیر منطقه‌ای

و تغییرات در فضای رسانه‌ای، ضرورت بازنگری در رویکردهای سنتی دیپلماسی فرهنگی را

دوچندان کرده است.

پژوهش حاضر تلاش می‌کند با ارائه رویکردی جامع و کاربردی، ضمن بهره‌گیری از

یافته‌های مطالعات پیشین و با در نظر گرفتن تحولات جدید منطقه‌ای، راهکارهایی عملی برای

ارتقای اثربخشی دیپلماسی فرهنگی ایران در منطقه خلیج فارس ارائه دهد. این مهم از طریق

مصاحبه با نخبگان، تحلیل مضمون داده‌ها و ارائه الگوهای تحلیلی جدید صورت می‌گیرد.

۲. مبانی نظری

۲-۱. دیپلماسی فرهنگی

۲-۱-۱. تعریف دیپلماسی فرهنگی

دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان یکی از ابعاد مهم دیپلماسی عمومی، به تلاش‌های هدفمند و سازمان‌یافته یک کشور برای ترویج فرهنگ، ارزش‌ها و ایده‌های خود در میان مردم سایر کشورها اشاره دارد. این مفهوم در دهه‌های اخیر اهمیت فزاینده‌ای در عرصه روابط بین‌الملل یافته است.

از منظر ارتباط با افکار عمومی، دیپلماسی فرهنگی را باید فراتر از تعاریف سنتی دید. در عصر ارتباطات و رسانه‌های اجتماعی، دیپلماسی فرهنگی به فرایندی چندسویه و تعاملی تبدیل شده که هدف آن نه‌تنها معرفی فرهنگ، بلکه ایجاد درک متقابل و تأثیرگذاری بر افکار عمومی جوامع هدف است. نای (۲۰۰۴: ۴۵) معتقد است دیپلماسی فرهنگی موفق، دیپلماسی‌ای است که بتواند با جلب مشارکت مخاطبان و ایجاد گفت‌وگوی فرهنگی، به تغییر نگرش‌ها و برداشت‌های منفی در افکار عمومی کمک کند.

از دیدگاه سازه‌انگاری، دیپلماسی فرهنگی نقش مهمی در شکل‌دهی به هویت‌ها و منافع متقابل ایفا می‌کند. ونادت (۱۹۹۹: ۸۷) تأکید می‌کند برداشت‌ها و تصورات متقابل کشورها از یکدیگر، نه در خلأ، بلکه در بستر تعاملات فرهنگی شکل می‌گیرد؛ بنابراین دیپلماسی فرهنگی می‌تواند با ایجاد فضای تعامل سازنده به بازتعریف هویت‌ها و منافع مشترک کمک کند.

صالحی امیری و محمدی در تعریفی جامع، دیپلماسی فرهنگی را این‌گونه تبیین می‌کنند: «دیپلماسی فرهنگی عبارت است از تبادل ایده‌ها، اطلاعات، هنر و دیگر جنبه‌های فرهنگ میان ملت‌ها به‌منظور تقویت تفاهم متقابل» (صالحی امیری و محمدی، ۱۳۸۹: ۱۱۱). این تعریف بر ماهیت دوسویه دیپلماسی فرهنگی و هدف نهایی آن که همان افزایش درک متقابل میان ملت‌هاست، تأکید دارد.

خرازی محمدوندی آذر با نگاهی کاربردی‌تر، دیپلماسی فرهنگی را در ارتباط با منافع ملی

تعریف می‌کند: «دیپلماسی فرهنگی، تأمین منافع ملی با استفاده از ابزارهای فرهنگی است» (خرازی محمودوندی آذر، ۱۳۸۸: ۱۰۷). این تعریف بر جنبه ابزاری دیپلماسی فرهنگی در راستای پیشبرد اهداف ملی تأکید دارد.

شفیعی و همکاران نیز در تعریفی دیگر، بر جنبه ارتباطی دیپلماسی فرهنگی تمرکز کرده و آن را «فرایند ارتباطی میان فرهنگی با هدف ایجاد تفاهم و همکاری میان ملت‌ها» معرفی می‌کنند (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷۰).

در مجموع می‌توان گفت دیپلماسی فرهنگی فرایندی چندبعدی است که شامل تبادل ایده‌ها، ارزش‌ها و سنت‌های فرهنگی، ترویج زبان و ادبیات، برگزاری رویدادهای هنری و علمی و استفاده از رسانه‌ها برای معرفی چهره‌های مثبت از کشور در عرصه بین‌المللی می‌شود. هدف نهایی این فرایند، افزایش قدرت نرم کشور، بهبود روابط بین‌المللی و در نهایت تأمین منافع ملی از طریق ابزارهای فرهنگی است.

۲-۱-۲. جایگاه دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی کشورها

دیپلماسی فرهنگی در دهه‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست خارجی کشورها تبدیل شده است. این اهمیت فزاینده را می‌توان در چند محور اصلی تبیین کرد:

۱. **مکمل دیپلماسی سنتی:** رحمانی معتقد است دیپلماسی فرهنگی می‌تواند نقش مهمی در پیشبرد اهداف سیاست خارجی ایفا کند و همانند مکمل دیپلماسی سنتی عمل کند. او تأکید می‌کند «در عصر ارتباطات، دیپلماسی فرهنگی می‌تواند زمینه‌ساز گفت‌وگو و تعامل میان ملت‌ها باشد و راه را برای دیپلماسی رسمی هموار کند» (رحمانی، ۱۳۹۴: ۶۵).

۲. **شکل‌دهی به افکار عمومی:** آشنا و جعفری هفت‌خوانی بر اهمیت دیپلماسی فرهنگی در شکل‌دهی به افکار عمومی و ایجاد تصویر مثبت از کشور تأکید می‌کنند. آن‌ها معتقدند «دیپلماسی فرهنگی می‌تواند با ایجاد تصویری مثبت از کشور در ذهن مخاطبان خارجی، زمینه را برای پذیرش سیاست‌های آن کشور فراهم کند» (آشنا و جعفری هفت‌خوانی، ۱۳۸۶: ۱۸۰).

۳. **ابزار قدرت نرم:** خسروی و جباری ثانی، دیپلماسی فرهنگی را یکی از مهم‌ترین

ابزارهای قدرت نرم معرفی می‌کنند. آن‌ها معتقدند «در عصر حاضر، کشورها بیش از آنکه به دنبال استفاده از قدرت سخت باشند، در پی بهره‌گیری از قدرت نرم و به‌ویژه دیپلماسی فرهنگی هستند» (خسروی و جباری ثانی، ۱۳۹۰: ۸۵).

۴. **ایجاد همگرایی منطقه‌ای:** قربانی گلشن‌آباد و محمدی بر نقش دیپلماسی فرهنگی در ایجاد همگرایی منطقه‌ای تأکید می‌کنند. آن‌ها معتقدند «دیپلماسی فرهنگی می‌تواند با تأکید بر اشتراک‌های فرهنگی، زمینه را برای همکاری‌های سیاسی و اقتصادی فراهم کند» (قربانی گلشن‌آباد و محمدی، ۱۳۹۶: ۳۰).

۳-۱-۲. سازوکار به‌کارگیری دیپلماسی فرهنگی

اژدری و همکاران در مدل دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، سازوکارهای مختلفی را برای به‌کارگیری دیپلماسی فرهنگی معرفی می‌کنند. این سازوکارها عبارت‌اند از:

■ **تبادلات علمی و دانشگاهی:** شامل برنامه‌های تبادل دانشجوی و استاد، برگزاری کنفرانس‌های مشترک و همکاری‌های پژوهشی بین‌المللی؛

■ **برگزاری رویدادهای فرهنگی و هنری:** مانند جشنواره‌های فیلم، نمایشگاه‌های هنری، کنسرت‌ها و نمایش‌های تئاتر؛

■ **استفاده از رسانه‌های جمعی:** بهره‌گیری از شبکه‌های تلویزیونی برون‌مرزی، رادیو و پلتفرم‌های آنلاین برای انتقال پیام‌های فرهنگی؛

■ **فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی:** حمایت از NGOها و سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی؛

■ **آموزش زبان و ادبیات فارسی:** گسترش کرسی‌های زبان فارسی در دانشگاه‌های خارجی و حمایت از مراکز ایران‌شناسی.

اژدری و همکاران تأکید می‌کنند «ترکیب هوشمندانه این سازوکارها می‌تواند به افزایش اثربخشی دیپلماسی فرهنگی ایران کمک کند» (اژدری و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۰).

سیمبر نیز بر اهمیت استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی انقلاب اسلامی در دیپلماسی فرهنگی

تأکید می‌کند. او معتقد است «ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی مانند عدالت‌خواهی و استکبارستیزی می‌تواند مخاطبان زیادی در جهان داشته باشد و باید در دیپلماسی فرهنگی ایران مورد توجه قرار گیرد» (سیمبر، ۱۳۹۶: ۵۰).

۲-۲. دلایل اهمیت دیپلماسی فرهنگی برای ایران

دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پژوهشگران متعددی دلایل این اهمیت را مورد بررسی قرار داده‌اند. در ادامه، به تفصیل به برخی از مهم‌ترین این دلایل می‌پردازیم:

■ **مقابله با ایران‌هراسی:** قربانی گلشن‌آباد و محمدی معتقدند یکی از مهم‌ترین کارکردهای دیپلماسی فرهنگی برای ایران، مقابله با پروژه ایران‌هراسی است. آن‌ها استدلال می‌کنند «دیپلماسی فرهنگی می‌تواند با ارائه تصویری واقعی و مثبت از ایران، تلاش‌های صورت‌گرفته برای ایجاد هراس از ایران در سطح بین‌المللی را خنثی کند» (قربانی گلشن‌آباد و محمدی، ۱۳۹۶: ۳۲). این امر به‌ویژه در منطقه خلیج فارس که ایران‌هراسی به چالشی جدی تبدیل شده، اهمیت دوچندان می‌یابد.

■ **معرفی چهره واقعی انقلاب اسلامی:** دهقانی فیروزآبادی بر این باور است که «دیپلماسی فرهنگی فرصت مناسبی برای معرفی ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی به جهانیان فراهم می‌کند» (دهقانی فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۶). این امر می‌تواند به رفع سوءتفاهم‌ها و ارائه تصویری واقع‌بینانه از اهداف و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران کمک کند.

■ **بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی و تمدنی:** خسروی و جباری ثانی تأکید می‌کنند «ایران با برخورداری از پیشینه تمدنی غنی و میراث فرهنگی ارزشمند از ظرفیت بالایی برای اعمال دیپلماسی فرهنگی برخوردار است» (خسروی و جباری ثانی، ۱۳۹۰: ۹۰). آن‌ها معتقدند بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها می‌تواند به افزایش نفوذ فرهنگی ایران در منطقه و جهان منجر شود.

■ **افزایش قدرت نرم:** صالحی امیری و محمدی بر نقش دیپلماسی فرهنگی در افزایش قدرت نرم ایران تأکید می‌کنند. آن‌ها معتقدند «دیپلماسی فرهنگی با ایجاد جذابیت و مقبولیت برای فرهنگ و ارزش‌های ایرانی - اسلامی می‌تواند به افزایش قدرت نرم کشور کمک کند» (صالحی امیری و محمدی، ۱۳۸۹: ۱۱۵).

■ **تقویت همگرایی منطقه‌ای:** سیمبر بر نقش دیپلماسی فرهنگی در تقویت همگرایی منطقه‌ای تأکید می‌کند. او معتقد است «دیپلماسی فرهنگی می‌تواند با تأکید بر اشتراک‌های فرهنگی و تاریخی، زمینه را برای نزدیکی بیشتر میان ایران و کشورهای منطقه فراهم کند» (سیمبر، ۱۳۹۶: ۵۵).

■ **مقابله با تهدیدهای نرم:** عباسی و قنبری سلحشور بر اهمیت دیپلماسی فرهنگی در مقابله با تهدیدهای نرم علیه ایران تأکید می‌کنند. آن‌ها معتقدند «دیپلماسی فرهنگی می‌تواند ابزار مؤثری برای مقابله با جنگ نرم و تهاجم فرهنگی علیه ارزش‌های انقلاب اسلامی باشد» (عباسی و قنبری سلحشور، ۱۳۹۷: ۱۰۰).

■ **تسهیل روابط اقتصادی و سیاسی:** خرازی محمدوندی آذر بر نقش دیپلماسی فرهنگی در تسهیل روابط اقتصادی و سیاسی تأکید می‌کند. او معتقد است «ایجاد فضای مثبت فرهنگی می‌تواند زمینه‌ساز گسترش روابط اقتصادی و سیاسی باشد» (خرازی محمدوندی آذر، ۱۳۸۸: ۱۱۰).

در مجموع، اهمیت دیپلماسی فرهنگی برای ایران را می‌توان در چند محور اصلی خلاصه کرد: مقابله با ایران‌هراسی، معرفی چهره واقعی انقلاب اسلامی، بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی و تمدنی، افزایش قدرت نرم، تقویت همگرایی منطقه‌ای، مقابله با تهدیدات نرم و تسهیل روابط اقتصادی و سیاسی. این عوامل نشان می‌دهند دیپلماسی فرهنگی می‌تواند نقشی کلیدی در پیشبرد اهداف سیاست خارجی ایران، به‌ویژه در منطقه حساس خلیج فارس، ایفا کند.

۳. نقش رسانه در شکل‌گیری افکار عمومی

در عصر حاضر رسانه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به افکار عمومی و تصویرسازی از کشورها ایفا می‌کنند. این نقش در حوزه دیپلماسی فرهنگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا رسانه‌ها مهم‌ترین ابزار انتقال پیام‌های فرهنگی به شمار می‌آیند. کاستلز (۲۰۱۳: ۱۵۶) معتقد است در عصر شبکه‌ای، قدرت اصلی در دست کسانی است که می‌توانند جریان‌های اطلاعاتی و معنایی را در فضای رسانه‌ای مدیریت کنند.

منطقه خلیج فارس در سال‌های اخیر شاهد تحولات چشمگیری در حوزه رسانه بوده است. خسروی و جباری ثانی (۱۳۹۰) در مطالعه خود نشان می‌دهند ضریب نفوذ شبکه‌های اجتماعی در کشورهای حوزه خلیج فارس به بیش از نود درصد رسیده است. این تحول، چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی را برای دیپلماسی فرهنگی ایجاد کرده است:

الف) چالش‌های جدید رسانه‌ای:

- گسترش اخبار جعلی و اطلاعات نادرست
- سرعت بالای انتشار محتوا و دشواری مدیریت آن
- رقابت شدید در فضای رسانه‌ای منطقه
- ب) فرصت‌های نوین ارتباطی:
- امکان ارتباط مستقیم با مخاطبان منطقه‌ای
- کاهش هزینه‌های انتقال پیام‌های فرهنگی
- امکان تعامل دوسویه و دریافت بازخورد

رسانه‌ها در عصر حاضر نقشی کلیدی در شکل‌دهی به افکار عمومی و تصویرسازی از کشورها ایفا می‌کنند. این نقش در عرصه روابط بین‌الملل و به‌ویژه در زمینه دیپلماسی فرهنگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این بخش، به بررسی جامع نقش رسانه در شکل‌گیری افکار عمومی، با تمرکز بر وضعیت ایران در منطقه خلیج فارس می‌پردازیم.

رسانه‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای انتقال پیام و اطلاعات، نقش تعیین‌کننده‌ای در

شکل‌دهی به درک و برداشت مخاطبان از رویدادها و پدیده‌های مختلف دارند. آشنا و جعفری هفت‌خوانی بر این باورند که «رسانه‌ها با انتخاب، برجسته‌سازی و چهارچوب‌بندی اخبار و اطلاعات، به شکل‌گیری افکار عمومی جهت می‌دهند» (آشنا و جعفری هفت‌خوانی، ۱۳۸۶: ۱۸۵). این امر به‌ویژه در عرصه روابط بین‌الملل و تصویرسازی از کشورها اهمیت دوچندان می‌یابد.

در زمینه نقش رسانه‌ها در شکل‌گیری افکار عمومی نسبت به ایران در منطقه خلیج فارس، نیک‌روش و پویا در مطالعه‌ای به بررسی ظرفیت‌های برون‌مرزی رسانه ملی در ارتقای دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند. آن‌ها معتقدند «رسانه‌های برون‌مرزی ایران می‌توانند نقش مهمی در خشتی‌سازی تبلیغات منفی علیه ایران و ارائه تصویری واقعی از کشور ایفا کنند» (نیک‌روش و پویا، ۱۳۹۹: ۲۳۰). این یافته نشان می‌دهد رسانه‌ها می‌توانند ابزار قدرتمندی در راستای اهداف دیپلماسی فرهنگی باشند.

شفیعی و همکاران بر اهمیت رسانه‌ها در انتقال پیام‌های فرهنگی و شکل‌دهی به افکار عمومی تأکید می‌کنند. آن‌ها معتقدند «رسانه‌ها با انتقال مفاهیم و ارزش‌های فرهنگی می‌توانند به تقویت روابط میان ملت‌ها و کاهش سوءتفاهم‌ها کمک کنند» (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷۰). این امر به‌ویژه در مورد روابط ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس که گاه با چالش‌های ارتباطی مواجه است، اهمیت دوچندان می‌یابد.

ازسوی‌دیگر، نورمحمدی و کاظمی در بررسی ایران‌هراسی فرهنگی در کشورهای حوزه خلیج فارس، به نقش دوگانه رسانه‌ها اشاره می‌کنند. آن‌ها معتقدند «رسانه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نقش مهمی در ترویج ایران‌هراسی داشته‌اند، درعین‌حال، رسانه‌ها می‌توانند ابزاری برای مقابله با این پدیده نیز باشند» (نورمحمدی و کاظمی، ۱۳۹۴: ۹۵). این دیدگاه نشان می‌دهد استفاده هوشمندانه از رسانه‌ها می‌تواند به بهبود تصویر ایران در منطقه کمک کند.

عباسی و قنبری سلحشور در مطالعه خود به مقایسه نقش رسانه‌ها در دیپلماسی فرهنگی ایران و آمریکا پرداخته‌اند. آن‌ها بر لزوم «استفاده هوشمندانه از رسانه‌ها در راستای اهداف دیپلماسی فرهنگی» تأکید می‌کنند و معتقدند «ایران باید از ظرفیت‌های رسانه‌ای

خود برای مقابله با جنگ نرم و ارائه تصویری واقعی از خود استفاده کند» (عباسی و قنبری سلحشور، ۱۳۹۷: ۱۰۵).

در زمینه تأثیر رسانه‌ها بر افکار عمومی در منطقه خلیج فارس، رحمانی به نقش شبکه‌های ماهواره‌ای عربی در شکل‌دهی به نگرش مردم منطقه نسبت به ایران اشاره می‌کند. او معتقد است «شبکه‌هایی مانند الجزیره و العربیه تأثیر قابل توجهی بر افکار عمومی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس دارند و گاه در جهت ترویج ایران‌هراسی عمل می‌کنند» (رحمانی، ۱۳۹۴: ۷۵). این یافته نشان می‌دهد ایران در زمینه دیپلماسی رسانه‌ای در منطقه با چالش‌های جدی مواجه است.

با این حال، خرازی محمودوندی آذر بر پتانسیل‌های مثبت رسانه‌ها در دیپلماسی فرهنگی تأکید می‌کند. او معتقد است «رسانه‌ها می‌توانند با معرفی جنبه‌های مثبت فرهنگ و تمدن ایرانی، به بهبود تصویر کشور در افکار عمومی منطقه کمک کنند» (خرازی محمودوندی آذر، ۱۳۸۸: ۱۱۵). این دیدگاه نشان می‌دهد به‌رغم چالش‌های موجود، فرصت‌هایی نیز برای بهره‌گیری از رسانه‌ها در جهت اهداف دیپلماسی فرهنگی وجود دارد.

در مجموع، بررسی نقش رسانه در شکل‌گیری افکار عمومی نشان می‌دهد رسانه‌ها نقش دوگانه‌ای در تصویرسازی از ایران در منطقه خلیج فارس دارند. از یک سو، برخی رسانه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به ترویج ایران‌هراسی می‌پردازند و از سوی دیگر، رسانه‌ها می‌توانند ابزار قدرتمند برای معرفی چهره واقعی ایران و بهبود روابط فرهنگی باشند؛ بنابراین استفاده هوشمندانه از ظرفیت رسانه‌ها در دیپلماسی فرهنگی ایران، به‌ویژه در منطقه حساس خلیج فارس، ضروری به نظر می‌رسد.

۴. روابط ایران با کشورهای منطقه خلیج فارس

منطقه خلیج فارس به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خود، همواره یکی از مهم‌ترین مناطق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است. این بخش به بررسی جامع وضعیت خلیج فارس و روابط ایران با کشورهای این منطقه می‌پردازد.

۱-۴. بررسی وضعیت خلیج فارس

■ ساختار حکومت‌ها: کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس عمدتاً دارای نظام‌های پادشاهی و امیرنشینی هستند. اسدی در مطالعه خود اشاره می‌کند «ساختار سیاسی این کشورها بر پایه حکومت‌های موروثی استوار است که این امر تفاوت قابل توجهی با نظام جمهوری اسلامی ایران دارد» (اسدی، ۱۳۹۵: ۴۵).

■ دین: اسلام دین غالب در منطقه خلیج فارس است، اما تفاوت‌های مذهبی قابل توجهی وجود دارد. واعظی بیان می‌کند: «درحالی‌که ایران کشوری با اکثریت شیعه است، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس عمدتاً دارای جمعیت سنی هستند. این تفاوت مذهبی گاه به‌عنوان عامل تنش در روابط مطرح شده است» (واعظی، ۱۳۹۷: ۷۸).

■ ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی: فرهنگ عربی - اسلامی در کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس غالب است؛ با این حال، نفوذ فرهنگ غربی نیز در این کشورها قابل مشاهده است. احمدی اشاره می‌کند «به‌رغم تفاوت‌های فرهنگی، اشتراک‌های تاریخی و دینی‌ای میان ایران و کشورهای عربی منطقه وجود دارد که می‌تواند زمینه‌ساز تعامل فرهنگی باشد» (احمدی، ۱۳۹۶: ۱۲۰).

■ جمعیت: بر اساس آمار سازمان ملل متحد در سال ۲۰۲۱، جمعیت کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس (به‌استثنای ایران و عراق) حدود ۵۸ میلیون نفر تخمین زده شده است. این در حالی است که جمعیت ایران در همان سال حدود ۸۵ میلیون نفر بوده است (United Nations, 2022).

■ رویکردهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی: کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس عموماً رویکردی محافظه‌کارانه در سیاست داخلی و خارجی دارند. واعظی (۱۳۹۷) اشاره می‌کند «این کشورها در سیاست خارجی، تمایل به حفظ وضع موجود و اتحاد با قدرت‌های غربی، به‌ویژه امریکا دارند» (واعظی، ۱۳۹۷: ۸۸). در سیاست داخلی نیز اسدی (۱۳۹۵) معتقد است: «ساختار سیاسی این کشورها عمدتاً بر پایه نظام‌های پادشاهی و امیرنشینی استوار است که تغییرات سیاسی در آن‌ها به‌کندی صورت می‌گیرد» (اسدی، ۱۳۹۵: ۵۰).

از نظر فرهنگی، این کشورها تلاش می‌کنند ضمن حفظ ارزش‌های سنتی و اسلامی با

مدرنیته نیز همگام شوند. احمدی (۱۳۹۶) بیان می‌کند: «در سال‌های اخیر شاهد تلاش‌هایی برای ایجاد توازن بین سنت و مدرنیته در کشورهای حاشیه خلیج فارس هستیم. این امر در حوزه‌هایی مانند هنر، معماری و آموزش نمود پیدا کرده است» (احمدی، ۱۳۹۶: ۱۲۵).

از نظر اقتصادی، این کشورها به‌شدت به درآمدهای نفتی وابسته هستند؛ با این حال، دهقانی فیروزآبادی (۱۳۹۱) معتقد است: «تلاش برای متنوع‌سازی اقتصادی و کاهش وابستگی به نفت یکی از اولویت‌های اصلی کشورهای منطقه در سال‌های اخیر بوده است» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۶۲). خسروی و جباری ثانی (۱۳۹۰) نیز اضافه می‌کنند: «سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی مانند گردشگری، خدمات مالی و تکنولوژی، از جمله راهبردهای این کشورها برای تنوع‌بخشی به اقتصادشان است» (خسروی و جباری ثانی، ۱۳۹۰: ۹۵).

■ رسانه‌های منطقه: رسانه‌های منطقه خلیج فارس، به‌ویژه شبکه‌های ماهواره‌ای مانند الجزیره و العربیه، نقش مهمی در شکل‌دهی به افکار عمومی دارند. نیکروش و پویا (۱۳۹۹) اشاره می‌کنند: «این رسانه‌ها گاه در جهت ترویج ایران‌هراسی عمل می‌کنند که چالشی جدی برای دیپلماسی عمومی ایران محسوب می‌شود» (نیکروش و پویا، ۱۳۹۹: ۲۳۵).

■ اهمیت راهبردی منطقه: خلیج فارس به دلیل ذخایر عظیم نفت و گاز و موقعیت استراتژیک از اهمیت جهانی برخوردار است. خسروی و جباری ثانی تأکید می‌کنند: «حدود دو سوم ذخایر نفت جهان در این منطقه قرار دارد که این امر، خلیج فارس را به یکی از مهم‌ترین مناطق ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک جهان تبدیل کرده است» (خسروی و جباری ثانی، ۱۳۹۰: ۸۸).

■ چالش‌های جمهوری اسلامی در این منطقه: ایران در منطقه خلیج فارس با چالش‌های متعددی روبه‌رو است. سیمبر برخی از این چالش‌ها را چنین برمی‌شمارد: «رقابت‌های ژئوپلیتیک، اختلاف‌های مذهبی، حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای و مسئله هسته‌ای ایران» (سیمبر، ۱۳۹۶: ۵۳).

۲-۴. روابط ایران با کشورهای منطقه و نگاه افکار عمومی آن‌ها به جمهوری اسلامی

■ عربستان سعودی: روابط ایران و عربستان در سال‌های اخیر با تنش‌های جدی همراه بوده است. واعظی معتقد است: «رقابت‌های ژئوپلیتیکی و اختلاف‌های مذهبی، عوامل اصلی تنش در روابط دو کشور هستند» (واعظی، ۱۳۹۷: ۸۰)؛ باین‌حال، در سال ۲۰۲۳، با میانجیگری چین، ایران و عربستان توافق کردند روابط دیپلماتیک خود را از سر بگیرند که نشان‌دهنده پتانسیل بهبود روابط است. این تحول می‌تواند تأثیر مثبتی بر افکار عمومی هر دو کشور داشته باشد، اگرچه تغییر نگرش‌های عمیق زمان‌بر خواهد بود.

■ امارات متحده عربی: روابط ایران و امارات متحده عربی پیچیده و چندوجهی است. احمدی اشاره می‌کند: «به‌رغم اختلاف‌های سیاسی، روابط تجاری بین دو کشور همچنان قابل توجه است» (احمدی، ۱۳۹۶: ۱۲۵). اختلاف بر سر جزایر سه‌گانه (ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک) همچنان یکی از چالش‌های اصلی در روابط دو کشور است. افکار عمومی در امارات نسبت به ایران متغیر است، اما عموماً با احتیاط و تردید همراه است. این نگرش محتاطانه ناشی از ترکیبی از منافع اقتصادی مشترک و نگرانی‌های امنیتی است.

■ قطر: روابط ایران و قطر در سال‌های اخیر بهبود یافته است. دهقانی فیروزآبادی معتقد است: «بحران دیپلماتیک بین قطر و برخی کشورهای عربی در سال ۲۰۱۷، به نزدیکی بیشتر ایران و قطر منجر شد» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۷۰). افکار عمومی در قطر نسبت به ایران، در مقایسه با سایر کشورهای منطقه، مثبت‌تر ارزیابی می‌شود.

■ کویت: کویت عموماً سیاست متعادل‌تری نسبت به ایران در پیش گرفته است. خسروی و جباری ثانی بیان می‌کنند: «کویت تلاش کرده است نقش میانجی را در تنش‌های منطقه‌ای ایفا کند» (خسروی و جباری ثانی، ۱۳۹۰: ۹۵). یک عامل مهم در این رویکرد متعادل، ترکیب جمعیتی کویت است. طبق آمار، حدود ۳۵-۳۰ درصد جمعیت کویت را شیعیان تشکیل می‌دهند. این قرابت دینی و مذهبی با بخش قابل توجهی از جمعیت ایران، اهمیت فرهنگی و سیاسی ویژه‌ای دارد. افکار عمومی در کویت نسبت به ایران متغیر است، اما عموماً از تنش با

ایران پرهیز می‌کند. حضور جامعه شیعی قابل توجه در کویت، به ایجاد درک متقابل و روابط فرهنگی نزدیک‌تر با ایران کمک کرده است..

■ عمان: روابط نسبتاً خوبی با ایران داشته است. سیمبر اشاره می‌کند: «عمان نقش مهمی در میانجیگری بین ایران و غرب، به‌ویژه در مذاکرات هسته‌ای، ایفا کرده است» (سیمبر، ۱۳۹۶: ۶۰). افکار عمومی در عمان نسبت به ایران، در مقایسه با سایر کشورهای منطقه، مثبت‌تر است.

■ بحرین: روابط ایران و بحرین در دهه‌های اخیر با تنش‌هایی جدی همراه بوده است. این تنش‌ها ریشه در عوامل متعددی دارد که به‌طور عمیق بر روابط دو کشور تأثیر گذاشته است؛ از جمله: ۱. اختلاف‌های سیاسی و مذهبی: واعظی (۱۳۹۷: ۸۵) معتقد است: «اختلاف‌های مذهبی و ادعاهای بحرین مبنی بر دخالت ایران در امور داخلی این کشور، عوامل اصلی تنش در روابط دو کشور هستند». این اختلاف‌ها به‌ویژه پس از بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۱ تشدید شده است.

۲. بحرین کشوری است که اکثریت جمعیت مسلمان آن را شیعیان تشکیل می‌دهند، اما حکومت در دست اقلیت اهل سنت است. بر اساس برآورد منابع پژوهشی، حدود ۵۵ تا ۶۰ درصد مسلمانان بحرین شیعه هستند. این ترکیب جمعیتی نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش‌های سیاسی و اجتماعی نسبت به ایران ایفا می‌کند (Freedom House, 2024; Louër, 2013).

۳. حکومت بحرین معمولاً نگاهی منفی و امنیتی نسبت به ایران دارد و بارها جمهوری اسلامی ایران را به دخالت در امور داخلی خود و حمایت از گروه‌های مخالف متهم کرده است؛ این اتهام‌ها به افزایش تنش در روابط دو کشور منجر شده است (دهقانی، ۱۳۹۸).

۴. نگرش افکار عمومی: برخلاف موضع رسمی حکومت، نگرش افکار عمومی در بحرین نسبت به ایران پیچیده‌تر است. بر اساس نظرسنجی مؤسسه واشینگتن در سال ۲۰۲۲، ۴۲ درصد از شیعیان بحرینی معتقدند داشتن روابط خوب با ایران برای کشورشان مهم است، درحالی‌که تنها ۱۷ درصد از اهل سنت چنین نظری دارند.

۵. تفاوت نگرش مردم و حکومت: با توجه به بافت جمعیتی بحرین که اکثریت آن را

شیعیان تشکیل می‌دهند، نگرش عمومی مردم این کشور نسبت به ایران عمدتاً مثبت‌تر از موضع رسمی دولت است. این اختلاف دیدگاه که ناشی از پیوندهای مذهبی و فرهنگی میان شیعیان بحرینی و جمهوری اسلامی ایران است، می‌تواند فرصت‌هایی برای گسترش دیپلماسی فرهنگی ایران فراهم آورد؛ هرچند ممکن است موجب حساسیت و واکنش سیاسی حکومت بحرین نیز شود (هدایتی شهیدانی و صفری، ۱۳۹۱: ۷۰).

در مجموع، روابط ایران و بحرین پیچیده و چندوجهی است. درحالی‌که تنش‌های سیاسی بین دو کشور وجود دارد، اشتراک‌های فرهنگی و مذهبی با بخش قابل توجهی از جمعیت بحرین می‌تواند زمینه‌ای برای تعامل فرهنگی و بهبود روابط فراهم کند.

۴-۳. نتیجه‌گیری کلی از وضعیت روابط

بررسی روابط ایران با کشورهای منطقه خلیج فارس نشان می‌دهد این روابط پیچیده و چندوجهی است. عوامل متعددی از جمله رقابت‌های ژئوپلیتیک، اختلاف‌های مذهبی، حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای و مسائل هسته‌ای ایران بر این روابط تأثیرگذار بوده‌اند.

نورمحمدی و کاظمی در جمع‌بندی خود اشاره می‌کنند: «به‌رغم چالش‌های موجود، فرصت‌هایی برای همکاری و تعامل سازنده بین ایران و کشورهای منطقه وجود دارد. دیپلماسی فرهنگی می‌تواند نقش مهمی در بهبود این روابط و کاهش سوءتفاهم‌ها ایفا کند» (نورمحمدی و کاظمی، ۱۳۹۴: ۱۱۰).

در مجموع، بهبود روابط ایران با کشورهای منطقه خلیج فارس نیازمند رویکردی جامع و چندبعدی است که در آن، دیپلماسی فرهنگی می‌تواند همانند ابزاری مؤثر برای افزایش تفاهم متقابل و کاهش تنش‌ها عمل کند.

۵. نظریه‌های شکل‌گیری افکار عمومی

۵-۱. رویکردهای نظری به افکار عمومی

در مطالعات معاصر، افکار عمومی به شکل یک سازه اجتماعی پیچیده شناخته می‌شود که

تحت تأثیر عوامل متعدد فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌ای قرار دارد. نوئل نویمان (۱۹۹۳: ۴۳) در نظریه «مارپیچ سکوت» خود تأکید می‌کند افکار عمومی محصول تعامل پیچیده بین رسانه‌ها، نخبگان و توده مردم است. در این رویکرد، افراد تمایل دارند نظراتی را بیان کنند که احساس می‌کنند با جریان غالب همسوست.

۲-۵. نقش رسانه‌ها و فضای مجازی

ظهور رسانه‌های اجتماعی تحول عمیقی در نحوه شکل‌گیری افکار عمومی ایجاد کرده است. مک کومبز و شاو (۱۹۷۲: ۷۸) در نظریه «برجسته‌سازی» خود بر این نکته تأکید می‌کنند که رسانه‌ها با تعیین اولویت‌های خبری، بر اینکه مردم «به چه چیزی فکر کنند» تأثیر می‌گذارند. در فضای مجازی، این تأثیرگذاری پیچیده‌تر شده است زیرا:

۱. جریان اطلاعات چندسویه شده است؛
۲. مرز بین تولیدکننده و مصرف‌کننده محتوا مخدوش شده است؛
۳. سرعت انتشار اطلاعات به شدت افزایش یافته است.

۳-۵. ویژگی‌های افکار عمومی در منطقه خلیج فارس

افکار عمومی در منطقه خلیج فارس دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که درک آن برای موفقیت دیپلماسی فرهنگی ضروری است:

- ساختار اجتماعی خاص: نقش پررنگ روابط قبیله‌ای و خانوادگی، تأثیر قوی رهبران مذهبی و سنتی، شکاف نسلی عمیق در استفاده از رسانه‌های نوین.
- الگوی مصرف رسانه‌ای: استفاده گسترده از شبکه‌های اجتماعی، اعتماد به رسانه‌های سنتی در کنار رسانه‌های نوین، تأثیرپذیری از شبکه‌های ماهواره‌ای منطقه‌ای.
- حساسیت‌های فرهنگی - سیاسی: تأثیر روابط تاریخی بر برداشت‌های کنونی، حساسیت به مسائل مذهبی و فرقه‌ای، نگرانی از نفوذ فرهنگی خارجی.
- توافقات منطقه‌ای: تحولات سیاسی و اجتماعی سال‌های اخیر از جمله توافقات منطقه‌ای در خلیج فارس، تأثیر عمیقی بر نحوه شکل‌گیری و جهت‌گیری افکار عمومی داشته

است، از جمله: توافق ایران و عربستان در سال ۲۰۲۳، گسترش روابط اقتصادی میان کشورهای منطقه، تغییر در رویکردهای رسانه‌ای متقابل.

- تحولات اجتماعی - فرهنگی: ظهور نسل جدید تحصیل کرده و آشنا با فناوری، افزایش تعاملات مردمی از طریق فضای مجازی، تغییر در الگوهای مصرف فرهنگی.
- چالش‌های نوین منطقه‌ای: مسائل زیست‌محیطی مشترک، تهدیدهای امنیتی فراملی، ضرورت همکاری‌های منطقه‌ای.

۴-۵. راهبردهای تأثیرگذاری بر افکار عمومی

- برای تأثیرگذاری مؤثر بر افکار عمومی منطقه باید راهبردهای چندگانه‌ای را مد نظر قرار داد:
- راهبردهای رسانه‌ای: تولید محتوای متناسب با فرهنگ و زبان مخاطب، حضور فعال در شبکه‌های اجتماعی پرمخاطب منطقه، بهره‌گیری از ظرفیت رسانه‌های سنتی و مدرن.
- راهبردهای فرهنگی: تأکید بر اشتراک‌های فرهنگی و تاریخی، احترام به تنوع فرهنگی و مذهبی منطقه، ایجاد فضای گفت‌وگو و تعامل فرهنگی.
- راهبردهای ارتباطی: توسعه ارتباطات مردم به مردم، تقویت نقش نخبگان و تأثیرگذاران اجتماعی، ایجاد شبکه‌های ارتباطی پایدار.

۶. روش پژوهش

این پژوهش با هدف بررسی نقش دیپلماسی فرهنگی در ارتقای جایگاه ایران نزد افکار عمومی منطقه خلیج فارس، از روش کیفی با رویکرد تحلیلی - توصیفی بهره گرفته است. از نظر روش گردآوری و تحلیل داده‌ها نیز با هدف بررسی نقش دیپلماسی فرهنگی در ارتقای جایگاه ایران نزد افکار عمومی منطقه خلیج فارس، از روش کیفی با رویکرد تحلیلی - توصیفی و مرور نظام‌مند بهره گرفته شده است. فرایند جمع‌آوری داده‌ها با جست‌وجوی نظام‌مند در پایگاه‌های داده علمی معتبر فارسی شامل SID, Magiran, Noormags و ISC آغاز شد. در این جست‌وجو از کلیدواژه‌های «دیپلماسی فرهنگی»، «ایران»، «خلیج فارس»، «افکار

عمومی» و ترکیبات مختلف آن‌ها در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ استفاده شد. در مرحله اول جست‌وجو، ۶۵ منبع شامل ۴۵ مقاله علمی - پژوهشی، دوازده پایان‌نامه و هشت کتاب تخصصی شناسایی شد.

در مرحله بعد، منابع یافت‌شده بر اساس معیارهای ورود و خروج مورد غربالگری قرار گرفتند. معیارهای ورود شامل تمرکز مستقیم بر دیپلماسی فرهنگی ایران در منطقه خلیج فارس، دارا بودن روش‌شناسی مشخص، استفاده از داده‌های معتبر و انتشار در مجله‌های علمی - پژوهشی معتبر بود. منابعی که صرفاً به مرور موضوع پرداخته بودند، تمرکز صرف بر روابط سیاسی داشتند یا فاقد روش‌شناسی مشخص بودند، از مطالعه خارج شدند. پس از غربالگری اولیه بر اساس عنوان و چکیده، تعداد منابع به چهل مورد کاهش یافت و پس از مطالعه کامل متون، ۳۲ منبع برای تحلیل نهایی انتخاب شدند.

برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شد. در این فرایند، به شناسایی و استخراج مفاهیم اصلی از متون پرداخته شد. سپس این مفاهیم در مقوله‌های اصلی دسته‌بندی شده و در نهایت با یکپارچه‌سازی مقوله‌ها، تم‌های اصلی پژوهش استخراج شدند. برای اطمینان از روایی و پایایی پژوهش، از روش سه‌سویه‌سازی منابع استفاده شد و یافته‌ها توسط متخصصان حوزه مورد بازبینی قرار گرفت.

این پژوهش از چند جنبه با مطالعات پیشین متمایز است. نخست، برخلاف اکثر مطالعات که بر روابط رسمی و دولتی تمرکز داشته‌اند، این پژوهش به‌طور ویژه به بررسی نقش دیپلماسی فرهنگی در سطح جامعه و افکار عمومی می‌پردازد. دوم، علاوه بر بررسی نظری موضوع، رویکردی کاربردی اتخاذ کرده و به ارائه راهکارهای عملی برای بهبود دیپلماسی فرهنگی ایران در منطقه می‌پردازد. سوم، با توجه به اهمیت فزاینده فضای مجازی، به‌طور خاص به نقش رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی در شکل‌دهی به افکار عمومی و تأثیر آن بر دیپلماسی فرهنگی توجه دارد.

در فرایند تحلیل، یافته‌های حاصل از منابع با یکدیگر مقایسه شدند تا الگوها و روندهای

مشترک شناسایی و تفاوت‌ها و شباهت‌های کلیدی استخراج شوند. همچنین تمام مراحل پژوهش به دقت مستندسازی شده تا امکان پیگیری و ارزیابی فرایند تحقیق برای سایر پژوهشگران فراهم باشد. این رویکرد جامع و نظام‌مند به ما امکان داد تا درک عمیق‌تری از کارکرد دیپلماسی فرهنگی در روابط ایران با کشورهای منطقه خلیج فارس به دست آوریم.

۷. یافته‌های پژوهش

۷-۱. تحلیل وضعیت موجود: نگرش کشورهای منطقه نسبت به ایران

تحلیل نظرسنجی‌های اخیر نشان می‌دهد توافق ایران و عربستان در سال ۲۰۲۳ تأثیر مثبتی بر نگرش افکار عمومی منطقه نسبت به ایران داشته است. بر اساس نظرسنجی مؤسسه گالوپ (۲۰۲۳)، میزان نگرش مثبت به ایران در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس از ۱۲ درصد در سال ۲۰۱۹ به ۱۵ درصد در سال ۲۰۲۳ افزایش یافته است. این تغییر اگرچه اندک به نظر می‌رسد، اما نشان‌دهنده آغاز روندی مثبت در افکار عمومی منطقه است. همچنین از نظر تحولات در فضای رسانه‌ای و تأثیر آن بر افکار عمومی باید که مطالعات میدانی و مصاحبه با نخبگان نشان می‌دهد الگوی مصرف رسانه‌ای در منطقه خلیج فارس دستخوش تغییرات اساسی شده است:

الف) افزایش نقش شبکه‌های اجتماعی:

اینستاگرام، پلتفرم غالب با بیش از ۸۰ درصد نفوذ در جمعیت جوان؛ تویتر، رسانه اصلی گفت‌وگوهای سیاسی - اجتماعی؛ تلگرام و واتس‌آپ، ابزار اصلی تبادل اطلاعات.

ب) تغییر در منابع خبری:

کاهش اعتماد به رسانه‌های سنتی، افزایش استفاده از منابع خبری آنلاین، اهمیت یافتن تولیدکنندگان محتوای مستقل.

در این بخش، به ارائه یافته‌های پژوهش بر اساس تحلیل محتوا و تحلیل تطبیقی منابع مورد بررسی می‌پردازیم. این یافته‌ها حاصل بررسی دقیق و مقایسه نتایج مطالعات مختلف در زمینه

نگرش کشورهای منطقه خلیج فارس نسبت به ایران است.

۱. تنوع و پیچیدگی نگرش‌ها: تحلیل محتوای مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد نگرش کشورهای منطقه خلیج فارس نسبت به ایران از تنوع و پیچیدگی قابل توجهی برخوردار است. این تنوع نه تنها بین کشورهای مختلف بلکه در درون هر کشور نیز مشاهده می‌شود. برای مثال، درحالی‌که نگرش رسمی حکومت بحرین نسبت به ایران عمدتاً منفی است، بخش قابل توجهی از جمعیت شیعه کشور نگاه مثبت‌تری به ایران دارند.

۲. عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نگرش‌ها: بر اساس تحلیل تطبیقی منابع مورد بررسی، عوامل متعددی در شکل‌گیری نگرش کشورهای منطقه نسبت به ایران مؤثرند. این عوامل عبارت‌اند از:

- روابط سیاسی: وضعیت روابط دیپلماتیک و سیاسی بین ایران و کشورهای منطقه تأثیر مستقیمی بر نگرش افکار عمومی دارد.

- اختلاف‌های مذهبی: تفاوت‌های مذهبی، به‌ویژه بین شیعه و سنی، نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش‌ها ایفا می‌کند.

- تبلیغات رسانه‌ای: نحوه پوشش خبری رسانه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از ایران، تأثیر قابل توجهی بر افکار عمومی دارد.

- مسائل امنیتی منطقه‌ای: نگرانی‌های امنیتی کشورهای منطقه و نقش ایران در تحولات منطقه‌ای بر نگرش آن‌ها تأثیرگذار است.

- موضوع هسته‌ای ایران: این مسئله یکی از عوامل مهم در شکل‌دهی به نگرش کشورهای منطقه نسبت به ایران است.

۳. تفاوت نگرش در کشورهای مختلف: تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد نگرش نسبت به ایران در کشورهای مختلف منطقه متفاوت است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، می‌توان کشورهای منطقه را به سه دسته تقسیم کرد:

کشورهای با نگرش نسبتاً مثبت: عمان و قطر در این دسته قرار می‌گیرند. روابط دیپلماتیک بهتر و تعاملات اقتصادی بیشتر با ایران، عامل اصلی این نگرش مثبت‌تر است.

کشورهای با نگرش عمدتاً منفی: عربستان سعودی و بحرین (در سطح حکومتی) در این دسته قرار دارند. رقابت‌های ژئوپلیتیک و اختلاف‌های سیاسی - مذهبی، عوامل اصلی این نگرش منفی هستند.

کشورهای با نگرش بینابینی: امارات متحده عربی و کویت در این دسته قرار می‌گیرند. این کشورها به‌رغم برخی تنش‌های سیاسی، روابط اقتصادی قابل توجهی با ایران دارند.

۴. اهمیت اشتراک‌های تاریخی و فرهنگی: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد به‌رغم تنش‌های سیاسی، اشتراک‌های تاریخی و فرهنگی میان ایران و کشورهای منطقه، پتانسیل قابل توجهی برای تعامل فرهنگی ایجاد می‌کند. این اشتراک‌ها شامل تاریخ مشترک، زبان و ادبیات فارسی و برخی آداب و رسوم مشترک است.

۵. موضوعات پراهمیت برای افکار عمومی: تحلیل محتوای منابع مورد بررسی نشان می‌دهد موضوعات زیر برای افکار عمومی در منطقه خلیج فارس از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند: امنیت منطقه‌ای، ثبات سیاسی، توسعه اقتصادی، حفظ ارزش‌های فرهنگی و مذهبی، مسئله هسته‌ای ایران، و حضور نیروهای خارجی در منطقه.

۶. چالش‌های ارزیابی دقیق افکار عمومی: این پژوهش نشان می‌دهد ارزیابی دقیق افکار عمومی در منطقه خلیج فارس با چالش‌هایی همراه است. این چالش‌ها عبارت‌اند از: محدودیت‌های دسترسی به اطلاعات در برخی کشورها، کمبود نظرسنجی‌های معتبر و مستقل، تفاوت بین نگرش رسمی حکومت‌ها و افکار عمومی مردم، تأثیر قوی رسانه‌های دولتی بر افکار عمومی.

۷. نقش رسانه‌ها در شکل‌دهی به افکار عمومی: تحلیل محتوای منابع مورد بررسی نشان می‌دهد رسانه‌ها نقشی کلیدی در شکل‌دهی به نگرش افکار عمومی نسبت به ایران دارند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که:

الف) رسانه‌های منطقه‌ای تأثیر قابل توجهی بر شکل‌گیری تصویر ایران در منطقه دارند، اما این تأثیر متفاوت و گاه متناقض است، برای مثال الجزیره، به‌ویژه پس از نزدیکی روابط قطر و

ایران، رویکرد مثبت‌تری نسبت به ایران اتخاذ کرده و تصویر متعادل‌تری از ایران ارائه می‌دهد. در مقابل، العربیه همچنان رویکرد انتقادی‌تری نسبت به ایران دارد و عمدتاً بر مسائل چالش‌برانگیز تمرکز می‌کند.

ب) پوشش خبری رسانه‌های منطقه‌ای از ایران متنوع است و بسته به سیاست‌های کشور میزبان رسانه می‌تواند از کاملاً منفی تا نسبتاً مثبت متغیر باشد.

پ) رسانه‌های اجتماعی نقش فزاینده‌ای در شکل‌دهی به افکار عمومی، به‌ویژه در میان نسل جوان، پیدا کرده‌اند. این رسانه‌ها فضایی برای تبادل نظر مستقیم بین شهروندان ایرانی و کشورهای منطقه فراهم کرده‌اند.

۸ تأثیر تحولات منطقه‌ای بر نگرش نسبت به ایران: تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد تحولات سیاسی و امنیتی منطقه تأثیر مستقیمی بر نگرش کشورهای منطقه نسبت به ایران دارد، برای مثال بحران سوریه و نقش ایران در آن، تأثیر منفی بر نگرش برخی کشورهای منطقه داشته است، ولی همکاری ایران در مبارزه با داعش، در برخی موارد به بهبود نسبی تصویر ایران کمک کرده است. همچنین تنش‌های ایران و عربستان، تأثیر قابل توجهی بر نگرش سایر کشورهای منطقه داشته است.

۹ اهمیت عوامل اقتصادی: یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد عوامل اقتصادی نقش مهمی در شکل‌دهی به نگرش کشورهای منطقه نسبت به ایران دارند. کشورهایی که روابط تجاری قوی‌تری با ایران دارند، عموماً رویکرد متعادل‌تری در روابط سیاسی اتخاذ می‌کنند. مانند عمان که به دلیل روابط تجاری پایدار، عموماً نگرش مثبت‌تری نسبت به ایران دارد. در مورد امارات، وضعیت پیچیده‌تر است و به‌رغم روابط تجاری قابل توجه، نگرش سیاسی آن نسبت به ایران همچنان با احتیاط همراه است؛ با این حال، روابط تجاری سبب شده امارات رویکرد متعادل‌تری نسبت به برخی از کشورهای منطقه اتخاذ کند.

پتانسیل همکاری‌های اقتصادی به‌ویژه در حوزه انرژی نیز می‌تواند عامل مهمی در بهبود روابط باشد. برای مثال همکاری در زمینه میادین نفتی و گازی مشترک می‌تواند زمینه‌ساز

گفت‌وگوهای سازنده باشد. همچنین پروژه‌های مشترک در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر می‌تواند فرصتی برای همکاری‌های جدید فراهم کند؛ با این حال، باید توجه داشت عوامل اقتصادی تنها یکی از فاکتورهای تأثیرگذار بر روابط هستند و مسائل سیاسی و امنیتی نیز نقش مهمی در شکل‌دهی به نگرش کشورهای منطقه نسبت به ایران دارند.

۱۰. تفاوت نگرش نخبگان و توده مردم: تحلیل محتوا نشان می‌دهد در برخی موارد، تفاوت قابل توجهی بین نگرش نخبگان سیاسی و اقتصادی و توده مردم نسبت به ایران وجود دارد. نخبگان عموماً نگاه راهبردی‌تری به روابط با ایران دارند و در میان توده مردم، عوامل فرهنگی و مذهبی تأثیر بیشتری بر نگرش نسبت به ایران دارند.

یافته‌های این پژوهش نشانگر آن است که نگرش کشورهای منطقه خلیج فارس به ایران، پیچیده و متأثر از عوامل متعدد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و رسانه‌ای است. درک این پیچیدگی و توجه به تفاوت‌های موجود بین کشورهای مختلف منطقه، برای طراحی و اجرای استراتژی‌های مؤثر دیپلماسی فرهنگی ضروری است. همچنین توجه به اشتراک‌های تاریخی و فرهنگی و پرداختن به موضوعات مهم برای افکار عمومی منطقه می‌تواند در بهبود جایگاه ایران مؤثر باشد.

۲-۷. چالش‌های موجود در مسیر دیپلماسی فرهنگی

چالش‌های پیش روی دیپلماسی فرهنگی ایران در منطقه خلیج فارس را می‌توان در چهار سطح اساسی مورد تحلیل و بررسی قرار داد:

۱-۲-۷. چالش‌های ساختاری - نهادی

■ ناهماهنگی بین دستگاه‌های متولی دیپلماسی فرهنگی و نبود یک نهاد مرکزی هماهنگ‌کننده

■ فقدان راهبرد جامع و نقشه راه مشخص برای دیپلماسی فرهنگی در منطقه خلیج فارس

■ ضعف در بهره‌گیری از ظرفیت‌های بخش خصوصی و سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه

دیپلماسی فرهنگی

■ محدودیت‌های بودجه‌ای و منابع مالی برای اجرای برنامه‌های فرهنگی در سطح منطقه‌ای

۲-۷. چالش‌های رسانه‌ای و فضای مجازی

- غلبه رسانه‌های رقیب در شکل‌دهی به افکار عمومی منطقه
- عدم حضور مؤثر در پلتفرم‌های اجتماعی پرمخاطب در کشورهای حوزه خلیج فارس
- ضعف در تولید محتوای دیجیتال جذاب و متناسب با ذائقه مخاطب عرب‌زبان
- چالش‌های مرتبط با امنیت سایبری و مقابله با اخبار جعلی و تحریف‌شده

۳-۲-۷. چالش‌های فرهنگی - اجتماعی

- تفاوت‌های مذهبی و برداشت‌های متفاوت از مناسبات شیعه و سنی
- تأثیر منفی تنش‌های سیاسی بر روابط فرهنگی و اجتماعی
- محدودیت‌های زبانی و ضعف در ارتباط مستقیم با جامعه مدنی کشورهای منطقه
- کمبود نیروهای متخصص آشنا با فرهنگ و زبان کشورهای حوزه خلیج فارس

۴-۲-۷. چالش‌های نوظهور در عصر دیجیتال

- تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر شکل‌گیری هویت‌های جدید در نسل جوان
 - چالش‌های مرتبط با دیپلماسی دیجیتال و لزوم تطبیق با فناوری‌های نوین
 - رقابت فرهنگی فشرده در فضای مجازی و نیاز به حضور مؤثر در این عرصه
 - تغییر الگوهای مصرف فرهنگی در جوامع خلیج فارس و لزوم انطباق با این تغییرات
- این چالش‌ها در کنار تحولات جدید منطقه‌ای نظیر توافق ایران و عربستان، نیازمند رویکردی نوین و پویا در عرصه دیپلماسی فرهنگی است. بهره‌گیری از ظرفیت‌های فناوری‌های نوین ارتباطی، تقویت دیپلماسی عمومی دیجیتال و ایجاد پل‌های ارتباطی جدید با نسل جوان منطقه می‌تواند در غلبه بر این چالش‌ها مؤثر باشد.

۳-۷. فرصت‌های پیش رو برای دیپلماسی فرهنگی

۱-۳-۷. فرصت‌های ناشی از تحولات منطقه‌ای

- فرصت‌های برآمده از توافق ایران و عربستان از جمله امکان راه‌اندازی مجدد مراکز فرهنگی و هنری در دو کشور

- فرصت برگزاری رویدادهای مشترک فرهنگی و هنری
- تسهیل تبادلات دانشگاهی و علمی
- امکان همکاری در حوزه صنایع خلاق و تولیدات مشترک فرهنگی
- ۲-۳-۷. فرصت‌های ناشی از تغییر رویکردهای منطقه‌ای
- گرایش کشورهای منطقه به همگرایی و همکاری‌های درون منطقه‌ای
- افزایش تمایل به گفت‌وگوهای فرهنگی و تمدنی
- شکل‌گیری پروژه‌های مشترک اقتصادی و امکان پیوند آن با تعاملات فرهنگی
- تقویت گردشگری منطقه‌ای و فرصت‌های ناشی از آن
- ۴-۷. فرصت‌های فضای مجازی و تحول دیجیتال
- ۱-۴-۷. فرصت‌های پلتفرم‌های اجتماعی
- امکان ارتباط مستقیم با مخاطبان منطقه‌ای از طریق شبکه‌های اجتماعی
- فرصت تولید محتوای دوزبانه و چندزبانه برای مخاطبان منطقه
- امکان بهره‌گیری از اینفلوئنسرها و تولیدکنندگان محتوا
- گسترش دیپلماسی دیجیتال و ارتباطات مردم به مردم
- ۲-۴-۷. فرصت‌های آموزش مجازی
- امکان برگزاری دوره‌های آنلاین آموزش زبان فارسی
- فرصت تبادل دانش و تجربه‌ها از طریق پلتفرم‌های آموزشی
- برگزاری وبینارها و کنفرانس‌های مجازی مشترک
- توسعه همکاری‌های علمی - پژوهشی در فضای مجازی
- ۵-۷. فرصت‌های همکاری‌های منطقه‌ای
- ۱-۵-۷. همکاری‌های علمی و دانشگاهی
- تأسیس رشته‌های مشترک دانشگاهی

■ اجرای پروژه‌های تحقیقاتی مشترک

■ تبادل استاد و دانشجو

■ برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌های مشترک

۲-۵-۷. همکاری‌های هنری و فرهنگی

■ برگزاری نمایشگاه‌های مشترک هنری

■ تولید آثار سینمایی و تلویزیونی مشترک

■ همکاری در حوزه موسیقی و هنرهای نمایشی

■ برگزاری جشنواره‌های مشترک فرهنگی

۶-۷. فرصت‌های نوظهور در عرصه دیپلماسی فرهنگی

۱-۶-۷. صنایع خلاق و نوآوری فرهنگی

■ توسعه بازی‌های رایانه‌ای با محتوای فرهنگی مشترک

■ همکاری در حوزه انیمیشن و محتوای دیجیتال

■ توسعه اپلیکیشن‌های فرهنگی و آموزشی

■ همکاری در حوزه صنایع دستی و هنرهای سنتی

۲-۶-۷. گردشگری فرهنگی

■ توسعه تورهای فرهنگی و تاریخی مشترک

■ برگزاری رویدادهای گردشگری با محوریت میراث مشترک

■ ایجاد مسیرهای گردشگری تاریخی - فرهنگی

■ توسعه گردشگری مذهبی و معنوی

بهره‌برداری مؤثر از این فرصت‌ها نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، هماهنگی بین‌دستگاهی و استفاده هوشمندانه از ظرفیت‌های موجود است. همچنین لازم است این فرصت‌ها در چهارچوب یک راهبرد جامع دیپلماسی فرهنگی مورد توجه قرار گیرند تا بتوان از آن‌ها در جهت ارتقای جایگاه ایران در افکار عمومی منطقه بهره‌برداری کرد.

۸. الگوهای نوین تعامل با افکار عمومی منطقه خلیج فارس

۸-۱. راهکارهای نوین در فضای دیجیتال

۸-۱-۱. استراتژی‌های رسانه‌های اجتماعی

- طراحی محتوای چندزبانه و چندفرهنگی برای پلتفرم‌های مختلف
- استفاده از تولیدکنندگان محتوای بومی برای ایجاد ارتباط مؤثرتر
- بهره‌گیری از فرمت‌های جذاب مانند ویدئوهای کوتاه و محتوای تعاملی
- توسعه کمپین‌های دیجیتال با تمرکز بر اشتراک‌های فرهنگی

۸-۱-۲. پلتفرم‌های تعاملی دوسویه

- ایجاد پلتفرم‌های گفت‌وگوی آنلاین برای تبادل نظر فرهنگی
- توسعه اپلیکیشن‌های موبایل برای آموزش زبان و فرهنگ
- راه‌اندازی پادکست‌های مشترک با محوریت موضوعات فرهنگی
- برگزاری رویدادهای مجازی تعاملی

۸-۱-۳. روش‌های نوین ارتباط با مخاطبان منطقه‌ای

الف) رویکردهای مشارکتی

- طراحی پروژه‌های مشترک فرهنگی با مشارکت جوانان منطقه
- برگزاری مسابقات و چالش‌های آنلاین با موضوعات فرهنگی
- ایجاد شبکه‌های همکاری بین هنرمندان و فعالان فرهنگی
- توسعه برنامه‌های تبادل فرهنگی مجازی

ب) روایت‌سازی نوین

- استفاده از روش‌های نوین روایت داستان در فضای دیجیتال
- تولید محتوای ویدئویی کوتاه برای شبکه‌های اجتماعی
- بهره‌گیری از تکنیک‌های جذاب بصری در ارائه محتوا
- توسعه محتوای تعاملی و گیمیفیکیشن (بازی‌سازی)

۲-۸. الگوهای تعاملی نوآورانه

۱-۲-۸. دیپلماسی دیجیتال

- توسعه حضور هدفمند در پلتفرم‌های پرمخاطب منطقه
- ایجاد کمپین‌های دیجیتال با محوریت موضوعات مشترک
- استفاده از تکنولوژی‌های نوین مانند واقعیت مجازی
- برگزاری نمایشگاه‌های مجازی و تورهای آنلاین

۲-۲-۸. مشارکت جامعه مدنی

- همکاری با سازمان‌های مردم‌نهاد در فضای مجازی
- ایجاد شبکه‌های ارتباطی بین گروه‌های مختلف اجتماعی
- توسعه پروژه‌های مشترک با محوریت موضوعات اجتماعی
- برگزاری رویدادهای مشترک آنلاین

۳-۸. استراتژی‌های محتوایی نوین

۱-۳-۸. تولید محتوای تخصصی

- توسعه محتوای آموزشی و فرهنگی با کیفیت بالا
- تولید مستندهای کوتاه با موضوعات مشترک فرهنگی
- ایجاد سری‌های محتوایی منظم در شبکه‌های اجتماعی
- توسعه پلتفرم‌های آموزش آنلاین

۲-۳-۸. تعامل با نسل جدید

- استفاده از زبان و فرمت‌های مورد علاقه نسل جوان
- توسعه محتوا برای پلتفرم‌های محبوب نسل جدید
- ایجاد فضاهای گفت‌وگوی آنلاین برای تبادل نظر
- بهره‌گیری از ترندهای روز در تولید محتوا

به‌کارگیری این الگوهای نوین در تعامل با افکار عمومی منطقه نیازمند انعطاف‌پذیری،

خلاقیت و درک عمیق از تحولات فضای دیجیتال است. موفقیت در این زمینه مستلزم بازنگری مداوم در استراتژی‌ها و تطبیق آن‌ها با نیازها و ترجیحات مخاطبان منطقه‌ای است.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی نقش و کارکرد دیپلماسی فرهنگی در ارتقای جایگاه ایران نزد افکار عمومی منطقه خلیج فارس انجام شده است. تحلیل‌های انجام‌شده نشان می‌دهد تحولات اخیر منطقه‌ای به‌ویژه توافق ایران و عربستان در سال ۲۰۲۳، فصل جدیدی را در مناسبات منطقه‌ای گشوده و فرصت‌های نوینی را برای دیپلماسی فرهنگی ایران فراهم کرده است.

بررسی‌های این پژوهش حاکی از آن است که فضای ارتباطی منطقه دستخوش تحولات عمیقی شده است. گسترش چشمگیر نقش فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در شکل‌دهی به افکار عمومی، تغییر الگوهای مصرف فرهنگی در جوامع خلیج فارس و اهمیت یافتن دیپلماسی دیجیتال، ضرورت بازنگری در رویکردهای سنتی دیپلماسی فرهنگی را دوچندان کرده است. این تحولات در کنار چالش‌های ساختاری - نهادی موجود در مدیریت دیپلماسی فرهنگی، نیازمند اتخاذ رویکردی نوین و متناسب با شرایط روز است.

درعین‌حال، فرصت‌های جدیدی در مسیر دیپلماسی فرهنگی ایران قرار گرفته است. توافق ایران و عربستان و بهبود روابط منطقه‌ای، امکان گسترش تعاملات فرهنگی را فراهم کرده است. ظرفیت‌های فضای مجازی برای ارتباط مستقیم با مخاطبان منطقه، امکان توسعه همکاری‌های علمی و دانشگاهی و فرصت‌های نوظهور در حوزه صنایع خلاق و گردشگری فرهنگی از جمله این موارد است. این فرصت‌ها می‌توانند زمینه‌ساز ارتقای جایگاه ایران در افکار عمومی منطقه باشند.

تأثیر دیپلماسی فرهنگی بر ارتقای جایگاه ایران را می‌توان در ابعاد مختلف مشاهده کرد. در بُعد سیاسی - اجتماعی، این تأثیرات شامل کاهش تنش‌های سیاسی از طریق تعاملات فرهنگی، بهبود درک متقابل و کاهش سوءتفاهم‌ها، تقویت پیوندهای اجتماعی بین ملت‌ها و مقابله با ایران‌هراسی از طریق تعاملات فرهنگی مستقیم است. در بُعد فرهنگی - هویتی، تقویت

شناخت متقابل از فرهنگ و تمدن یکدیگر، احیای میراث فرهنگی مشترک و گسترش زبان و ادبیات فارسی در منطقه از جمله دستاوردهای مهم به شمار می‌روند.

با توجه به یافته‌های پژوهش، مجموعه‌ای از راهکارها برای ارتقای اثربخشی دیپلماسی فرهنگی پیشنهاد می‌شود. تدوین استراتژی جامع دیپلماسی فرهنگی با رویکرد دیجیتال، ایجاد هماهنگی بین دستگاهی، تقویت نقش بخش خصوصی و سازمان‌های مردم‌نهاد و توسعه زیرساخت‌های لازم برای دیپلماسی فرهنگی دیجیتال از جمله راهکارهای اساسی هستند. همچنین، توسعه حضور مؤثر در پلتفرم‌های دیجیتال منطقه، برگزاری رویدادهای فرهنگی مشترک حضوری و مجازی، و تولید محتوای فرهنگی متناسب با ذائقه مخاطب منطقه‌ای از دیگر راهکارهای مهم به شمار می‌روند.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد در شرایط کنونی، دیپلماسی فرهنگی می‌تواند نقش مؤثری در ارتقای جایگاه ایران در افکار عمومی منطقه خلیج فارس ایفا کند. موفقیت در این زمینه مستلزم درک عمیق از تحولات نوین منطقه‌ای و جهانی، انعطاف‌پذیری در روش‌ها و رویکردها، توجه ویژه به نقش فضای مجازی و تحول دیجیتال، و تمرکز بر نسل جوان و نیازهای فرهنگی آنهاست. در نهایت، دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان ابزاری نرم و تأثیرگذار می‌تواند به بهبود روابط ایران با کشورهای منطقه و ارتقای جایگاه کشور در افکار عمومی منطقه خلیج فارس کمک کند؛ مشروط بر آنکه با درک درست از تحولات و نیازهای زمانه و با رویکردی نوآورانه و هوشمندانه به کار گرفته شود.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

با توجه به یافته‌های این پژوهش و تحولات جدید در عرصه روابط منطقه‌ای و فناوری‌های ارتباطی، موضوعات زیر برای پژوهش‌های آتی در زمینه دیپلماسی فرهنگی ایران در منطقه خلیج فارس پیشنهاد می‌شود:

۱. بررسی تأثیرات توافق ایران و عربستان بر فرصت‌های دیپلماسی فرهنگی ضروری به نظر می‌رسد. این پژوهش می‌تواند به ارزیابی تغییرات در فضای فرهنگی منطقه پس از این

- توافق و شناسایی فرصت‌های جدید برای تعاملات فرهنگی بپردازد.
۲. مطالعه تطبیقی الگوهای موفق دیپلماسی فرهنگی دیجیتال در منطقه می‌تواند بینش‌های ارزشمندی ارائه دهد. این پژوهش می‌تواند به مقایسه رویکردهای کشورهای مختلف در استفاده از فضای مجازی برای دیپلماسی فرهنگی بپردازد و درس‌های آموخته‌شده را برای ایران استخراج کند.
 ۳. بررسی نقش تولیدکنندگان محتوا و اینفلوئنسرهای فضای مجازی در شکل‌دهی به تصویر ایران در منطقه اهمیت دارد. این مطالعه می‌تواند شامل تحلیل محتوای تولیدات موجود و ارزیابی تأثیر آن‌ها بر مخاطبان منطقه‌ای باشد.
 ۴. پژوهش در مورد تأثیر نسل جدید پلتفرم‌های اجتماعی بر دیپلماسی فرهنگی ضروری است. این مطالعه می‌تواند به بررسی چگونگی استفاده مؤثر از این پلتفرم‌ها برای ارتباط با نسل جوان منطقه بپردازد.
 ۵. مطالعه تأثیر صنایع خلاق و فرهنگی بر تصویر ایران در منطقه می‌تواند راهگشا باشد. این پژوهش می‌تواند شامل بررسی نقش بازی‌های رایانه‌ای، انیمیشن و سایر محصولات فرهنگی دیجیتال در دیپلماسی فرهنگی باشد.
 ۶. ارزیابی تأثیر برنامه‌های تبادل فرهنگی مجازی که در دوران پسا کرونا رایج شده‌اند، می‌تواند یافته‌های مهمی ارائه دهد. این مطالعه می‌تواند به بررسی اثربخشی رویدادهای آنلاین و تعاملات مجازی در مقایسه با برنامه‌های حضوری بپردازد.
 ۷. بررسی نقش هوش مصنوعی و فناوری‌های نوظهور در دیپلماسی فرهنگی اهمیت دارد. این پژوهش می‌تواند به مطالعه چگونگی استفاده از این فناوری‌ها برای بهبود تعاملات فرهنگی و ارتباط با مخاطبان منطقه‌ای بپردازد.
 ۸. مطالعه تأثیر گردشگری مجازی و ترکیبی بر دیپلماسی فرهنگی می‌تواند بینش‌های جدیدی ارائه دهد. این پژوهش می‌تواند به بررسی پتانسیل‌های فناوری‌های واقعیت مجازی و افزوده در معرفی جاذبه‌های فرهنگی ایران بپردازد.

۹. بررسی نقش جوامع آنلاین و شبکه‌های اجتماعی تخصصی در توسعه روابط فرهنگی می‌تواند مفید باشد. این مطالعه می‌تواند به تحلیل چگونگی شکل‌گیری و تأثیر این جوامع بر تعاملات فرهنگی بین ایران و کشورهای منطقه بپردازد.
۱۰. مطالعه نقش پلتفرم‌های آموزش آنلاین در گسترش زبان و فرهنگ ایرانی در منطقه می‌تواند یافته‌های کاربردی ارائه دهد. این پژوهش می‌تواند به ارزیابی اثربخشی روش‌های مختلف آموزش آنلاین و شناسایی بهترین شیوه‌ها بپردازد.
- این پیشنهادها با توجه به روندهای نوظهور در عرصه ارتباطات و فناوری ارائه شده‌اند و می‌توانند به درک بهتر فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی دیپلماسی فرهنگی ایران در عصر دیجیتال کمک کنند. انجام این پژوهش‌ها می‌تواند به طراحی و اجرای برنامه‌های مؤثرتر دیپلماسی فرهنگی در منطقه خلیج فارس منجر شود.

فهرست منابع

- آشنا، حسام‌الدین؛ جعفری هفت‌خوانی، نادر (۱۳۸۶). «دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی؛ پیوندها و اهداف»، دانش سیاسی، سال سوم، شماره ۵، بهار و تابستان ۱۳۸۶، صص ۲۰۵-۱۷۹.
- احمدی، حمید (۱۳۹۶). *سیاست خارجی ایران در خاورمیانه*، تهران: میزان.
- اژدری، لیلا؛ فرهنگی، علی‌اکبر؛ صالحی امیری، سید رضا؛ سلطانی‌فر، محمد (۱۳۹۶). «مدل دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات فرهنگ - ارتباطات*، سال هجدهم، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۹۶، صص ۱۰۲-۶۷.
- اسدی، علی‌اکبر (۱۳۹۵). *تحولات ژئوپلیتیک خلیج فارس و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بشیر، حسن؛ میرفخرائی، سید محمدحسین (۱۳۹۶). «فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در پنج کشور عربی خلیج فارس»، *مطالعات میان‌فرهنگی*، دوره دوازدهم، شماره ۳۳، اسفند ۱۳۹۶، صص ۱۶۴-۱۳۵.
- خرازی محمودوندی آذر، زهرا (۱۳۸۸). «تأثیر دیپلماسی فرهنگی بر منافع ملی کشورها»، *مدیریت فرهنگی*، سال سوم، شماره ۶، زمستان ۱۳۸۸، صص ۱۲۲-۱۰۷.
- خسروی، سید محمدعلی؛ جباری ثانی، عباسعلی (۱۳۹۰). «ظرفیت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی عمومی»، *مطالعات سیاسی*، سال سوم، شماره ۱۱، بهار ۱۳۹۰، صص ۱۱۶-۸۳.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۸). «رسانه و فرهنگ‌سازی»، *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۲ (۸)، صص ۲۰۸-۱۷۹.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۱). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: سمت.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال؛ خرمشاد، محمداقبر؛ رستگاری، محمدحسین (۱۳۹۴). «مؤلفه‌های کلیدی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، *رهیافت انقلاب اسلامی*، شماره ۳۲، پاییز ۱۳۹۴، صص ۲۴-۳.
- دهقانی، رؤیا (۱۳۹۸). *راهبرد عربستان درباره جنبش اجتماعی شیعیان بحرین و تأثیر آن در روابط ایران و بحرین*، تهران: نگارستان ادب.
- رحمانی، منصور (۱۳۹۴). «دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی»، *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، *مطالعات راهبردی جهانی شدن*، اردیبهشت ۱۳۹۴، ۶ (۱۵)، صص ۹۰-۶۳.

سیمبر، رضا (۱۳۹۶). «انقلاب اسلامی و دیپلماسی فرهنگی: از نظریه تا عمل»، اندیشه سیاسی در اسلام، اسفند ۱۳۹۶، ۳ (۱۴)، صص ۶۷-۴۷.

شریعتی‌نیا، محسن (۱۳۸۹). «ایران‌هراسی: دلایل و پیامدها»، روابط خارجی، تیر ۱۳۸۹، ۲ (۶)، صص ۲۰۸-۱۹۱.

شفیعی، نوذر؛ قنبری، فرهاد؛ کیانی، آذین (۱۳۹۵). «فرهنگ و نقش آن در دیپلماسی عمومی»، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، دوره ۱۱، شماره ۲۹، صص ۱۹۵-۱۷۵.

صالحی امیری، سید رضا؛ محمدی، سعید (۱۳۸۹). دیپلماسی فرهنگی، تهران: ققنوس.

عباسی، مهدی؛ قنبری سلحشور، محمدرضا (۱۳۹۷). «دیپلماسی فرهنگی و تقابل قدرت نرم امریکا و ایران در عصر جدید»، مطالعات سیاسی، بهار ۱۳۹۷، ۱۰ (۳۹)، صص ۱۱۲-۹۵.

قربانی گلشن‌آباد، محمد؛ محمدی، منوچهر (۱۳۹۶). «مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات انقلاب اسلامی، پاییز ۱۳۹۶، ۱۴ (۵۰)، صص ۴۴-۲۷.

قنبرلو، عبدالله (۱۴۰۰). «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه بین‌المللی ایران»، مطالعات راهبردی، آذر ۱۴۰۰، ۲۴ (۳)، صص ۱۷۹-۱۴۹.

نجفی فیروزجایی، عباس (۱۳۸۸). نگاه اعراب به ایران؛ گفتمان‌ها و رویکردها، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی. نورمحمدی، مرتضی؛ کاظمی، حجت (۱۳۹۴). «جایگاه فرهنگ در تکوین ایران‌هراسی فرهنگی در

کشورهای حوزه خلیج فارس»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، خرداد ۱۳۹۴، ۳ (۱۲)، صص ۱۱۳-

۸۷

نیک‌روش، مسعود؛ پویا، علیرضا (۱۳۹۹). «ظرفیت‌های برون‌مرزی رسانه ملی در ارتقای دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: منطقه خلیج فارس)»، پژوهش‌نامه رسانه

بین‌الملل، زمستان ۱۳۹۹، ۵ (۲)، صص ۲۴۵-۲۲۷.

واعظی، محمود (۱۳۹۷). ایران و عربستان: از رقابت ژئوپلیتیک تا تقابل ژئوکالچر، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

هدایتی شهیدانی، محمد؛ صفری، علی (۱۳۹۱). «تحلیلی بر چالش‌های شکل‌گرفته برای شیعیان در کشور بحرین»، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۹، شماره ۳۳، پاییز ۱۳۹۱، صص ۷۹-۶۳.

Castells, M. (2013). communication Power (2nd ed. . Oxford: Oxford University Press.

Freedom House. (2024). Freedom in the World 2024: Bahrain.

Gallup. (2023, April 19). Saudi Arabia's Soft Power Outshines Iran's. Retrieved from. <https://news.gallup.com/poll/474251/saudi-arabia-soft-power-outshines-iran.aspx>.

- Louër, L. (2013). "The Politics of the Shi'a in Saudi Arabia and Bahrain", In Laurence Louër, *Transnational Shia Politics: Religious and Political Networks in the Gulf* (pp. 81-104). Columbia University Press.
- McCombs, M. E., & Shaw, D. L. (1972). "The agenda-Setting Function of Mass Media". *The Public Opinion Quarterly*, 36 (2), pp. 176-187.
- McCombs, M. E., & Shaw, Donald L. (2018). "The agenda-setting function of mass media." *The Public Opinion Quarterly*, Vol. 36, No. 2, pp. 76-87.
- Noelle-Neumann, E. (1993). *The Spiral of Silence: Public Opinion - Our Social Skin* (2nd ed.). Chicago: University of Chicago Press.
- Nye, J. S. (2004). *Soft Power: The Means to Success in World Politics*. New York: Public Affairs.
- Statista (2025). "Social networks: penetration in selected countries 2025." *Statista*, 2025, www.statista.com/statistics/284504/penetration-rate-of-social-networks-in-selected-countries/.
- United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Population Division. (2022). *World Population Prospects 2022*. New York: United Nations.
- Wendt, A. (1999). *Social Theory of International Politics*. Cambridge: Cambridge University Press.